

بررسی و نقد تأثیر مکتب فایده‌گرایی بر نظریه‌های تصمیم‌گیری و مقایسه آن با نظریه رشد اسلامی

مهدی عزیزی *

سید مجتبی عزیزی **

میثم لطیفی ***

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۷/۱۴

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۴/۰۳

چکیده

فایده‌گرایی به‌عنوان یک مکتب فلسفه اخلاق و فلسفه سیاست در علوم اجتماعی و انسانی مختلف تأثیرگذار بوده است. در این میان ماهیت اجرایی رشته مدیریت باعث شده است که این عرصه بیش از همه آماده پذیرش فایده‌گرایی به‌عنوان مبنای تئورهای خود باشد. به همین نحو، در میان عرصه‌های مختلف رشته مدیریت، عرصه تصمیم‌گیری بیش از همه از فایده‌گرایی تأثیر پذیرفته است و با وجود انتقادات فراوان وارد شده به فایده‌گرایی، در هیچ‌یک از تطورات تئورهای تصمیم‌گیری مبنای فایده‌گرا دچار تغییر نشده است. در این پژوهش با رهیافتی مبنای‌گرایانه، نظریه‌های تصمیم‌گیری مدیریت به چالش کشیده شده است. در این راستا، نظریه رشد اسلامی، که جامعیت و جایگاه ویژه‌ای در نظام اندیشه اسلامی دارد به‌عنوان جایگزینی برای مبنای فایده‌گرایی مطرح شد. به این منظور تلاش شد پس از مقایسه تطبیقی فایده‌گرایی و نظریه رشد - که مستلزم تبیین تفصیلی هر دوی این نظریه‌ها بود - اصول هر یک از این دو رویکرد استخراج شود. در ادامه، تلاش شد با بررسی نظریه‌های تصمیم‌گیری فایده‌گرا، پس از نشان دادن وجه فایده‌گرایی این نظریه‌ها، تأثیرات تغییر مبنای فایده‌گرایی به رشد اسلامی به نمایش گذاشته، و کارایی عملیاتی مبنای رشد اسلامی برای تصمیم‌گیری در مدیریت تبیین شود. در نهایت، ویژگیهای تصمیم‌گیری رشد محور معرفی شد.

کلیدواژه‌ها: فایده‌گرایی، مبنای‌گرایی، نظریه رشد، فلسفه مدیریت، مدیریت اسلامی، تصمیم‌گیری.

seyedmahdiazizi@gmail.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد صنعتی دانشگاه امام صادق(ع)

seyedmohjtabaazizi@gmail.com

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)

meisamlatifi@gmail.com

*** دانشیار، گروه مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق(ع)

مقدمه

علم اجتماعی بدون یک یا چند تلقی خاص از انسان، اجتماع، هستی، علم و سعادت انسان تحقق نمی‌یابد و مکاتب اجتماعی مختلف در تلقی‌های خود از انسان و سعادت او هم‌نظر نیستند (پلنت^۱، ۱۹۹۱: ۲۰). مدیریت - و بویژه عرصه تصمیم‌گیری مدیریتی - نیز به‌عنوان دانشی اجتماعی تحت تأثیر نظریات مبنایی و مکاتب فلسفی است که آن را موجه و مفید جلوه می‌دهد و نقش شکل‌دهنده و جهت‌دهنده نسبت به آن دارد. از این‌رو، نظریه‌پردازان مدیریت از دیرباز بر جایگاه و اهمیت فلسفه در مدیریت تأکید کرده‌اند (گونزالس و مک میلان، ۱۹۶۱؛ داویس، ۱۹۵۸؛ ریچ، ۱۹۵۹؛ لیتزینگر^۲ و دیگران، ۱۹۶۶). صاحب‌نظران مدیریت در پژوهش‌های مختلف به تبیین تأثیرات مکاتب فلسفی در نظریه‌های مدیریت پرداخته‌اند که می‌توان حاصل پژوهش‌های آنها را در عرصه‌های مختلفی چون بررسی تأثیرات مکاتب فلسفه علم در مدیریت (دونالدسون^۳، ۱۹۹۶؛ سوکاس و نادسن^۴، ۲۰۰۳؛ اسپسر^۵، ۲۰۰۶: ۲۶۱) و مکاتب فلسفه سیاست در مدیریت (کافمن^۶، ۱۹۶۴؛ بورل^۷، ۱۹۸۸) و مکاتب فلسفه اخلاق در مدیریت (برانز^۸، ۲۰۰۲) و... ارائه کرد؛ اما با این همه، باز هم می‌توان گفت که به بررسی مبنایی فلسفی نظریه‌های مدیریت کم توجهی شده است؛ چراکه با توجه به اهمیت زائدالوصف مبنایی علوم اجتماعی برای تولید علم (آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، ۱۳۸۸)، تلاش‌ها درخور و بسنده نیست. از سوی دیگر در بررسی تأثیرات مکاتب فلسفه سیاست در مدیریت، هرچند به مکاتب مختلفی از جمله لیبرالیسم (گریفت^۹، ۲۰۰۶: ۲۱۱)، لیبرتاریسیسم^{۱۰} (کارسون^{۱۱}، ۲۰۰۸)، مارکسیسم (تارنبال^{۱۲}، ۱۹۹۷؛ آدلر^{۱۳}، ۲۰۱۱: ۱۲۳) فمینیسم

-
- 1 - Plant
 - 2 - Litzinger, William D.
 - 3 - Donaldson, Lex
 - 4 - Tsoukas, Haridimos and Knudsen, Christian
 - 5 - Spicer, Michael W
 - 6 - Kaufman, Herbert
 - 7 - Burrell, Gibson
 - 8 - Brans JP
 - 9 - Griffith, Mark F.
 - 10 - libertarianism
 - 11 - Carson, Kevin A.
 - 12 - Turnbull, Peter
 - 13 - Adler, Paul S.

(آشکرافت^۱، ۲۰۰۱؛ وارتون^۲، ۱۹۹۱؛ آسکر^۳، ۲۰۰۸؛ بیرد^۴، ۲۰۱۵) و کامیونیتارینیسیم^۵ (بیدلی و موری^۶، ۲۰۱۱: ۸۵)، پرداخته شده است، توجه مستقل و تفصیلی به مکتب فایده‌گرایی نشده است. شاید دلیل این بی‌توجهی را بتوان محتاط شدن و در حاشیه قرار گرفتن فیلسوفان فایده‌گرا در دوران کنونی دانست (کمیلیکا^۷، ۲۰۰۲: ۴۷).

درباره ضرورت این پژوهش باید خاطر نشان ساخت، دلایل متعددی پرداختن به تأثیرات مکتب فایده‌گرایی را در مدیریت ضروری می‌سازد؛ زیرا از یک‌سو، نتیجه‌گرایی^۸ در فایده‌گرایی - که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت - به همراه سادگی بعضی از اصول آن باعث شده است که فایده‌گرایی زمینه مناسبی برای مورد استفاده قرار گرفتن در مدیریت پیدا کند. مهمتر از آن، مطابق دید مبنایگرایانه - که در ادامه به اجمال معرفی شده است - باید تأکید کرد که بدون در نظر گرفتن مبانی شکل‌دهنده هر نظریه نمی‌توان به منظور نقد، مقایسه و از همه مهمتر استفاده از آن نظریه - که مستلزم حکم به عدم تعارض آن نظریه با آموزه‌های اسلامی است - اقدامی انجام داد؛ به عبارت دیگر اگر بخواهیم از یک‌سو در عرصه تصمیم‌گیری مدیریتی به آموزه‌های اسلامی ملتزم باشیم و از سوی دیگر از نظریه‌های متعدد تصمیم‌گیری مدیریتی استفاده کنیم، لاجرم باید به مبنایگرایی بپردازیم.

در این راستا سؤالات اساسی این پژوهش به صورت زیر تعریف شد:

۱ - فایده‌گرایی در کدام یک از نظریه‌های تصمیم‌گیری مدیریتی تأثیرگذار بوده است؟
 ۲ - (با توجه به خلل‌های فایده‌گرایی) چه اصلی می‌تواند جایگزین فایده‌گرایی در نظریه‌های تصمیم‌گیری مدیریتی شود؟

۳ - این جایگزینی در تصمیم‌گیری مدیریتی در مقام عمل و نظر چه تأثیراتی خواهد داشت؟
 برای تبیین مبانی نظری این پژوهش لازم است، سه عنوان فایده‌گرایی، نظریه رشد و تصمیم‌گیری مورد تبیین قرار گیرد که در ادامه به آن پرداخته شده است.

- 1 - Ashcraft, Karen Lee
- 2 - Wharton, Amy S.
- 3 - Acker, Joan
- 4 - Beard, Alison
- 5 - Communitarianism
- 6 - Beadle, Ron and Moore, Geoff
- 7 - Kymlicka, Will
- 8 - Consequentialism

فایده‌گرایی

فایده‌گرایی^۱ از مکاتب مطرح فلسفه اخلاق و فلسفه سیاست است. بنیانگذاران یا مؤثران اصلی در صورتبندی ادعاهای این مکتب را می‌توان جرمی بنتام^۲، جیمز میل^۳ و جان استوارت میل^۴، دانست (سولومون، ۲۰۰۵: ۳۹) و متفکرانی مانند هنری سیدویک^۵ (اگلیستون، ۲۰۱۴: ۹۸) و هیستینگ راشدال و جان اسمارت^۶ را می‌توان از پیروان متأخر آن دانست. فایده‌گرایی را گاه در فلسفه اخلاق در برابر اندیشه وظیفه‌گرایی^۷ کانتی قرار می‌دهند. امروزه فایده‌گرایی به فلسفه اخلاق و فلسفه سیاست محدود نمانده است و این اندیشه و مکتب، آثار و نتایج خود را در علوم مختلفی نشان می‌دهد که به صورت شاخه‌های نظری این مکتب بروز و ظهور یافته است. تصور عام چنین است که فایده‌گرایی به افراد اجازه می‌دهد که بر مبنای کسب منفعت خویش انتخابهایی بکنند و همین کسب منفعت و نتایج انتخاب نفع محور است که کار درست را تعیین می‌کند درحالی‌که از دید وظیفه‌گرایی کار اخلاقی درست، وظیفه است و افراد به وظیفه‌ای موظف هستند که به لحاظ قواعد جهانشمول، درست و اخلاقی است و نتایج آن در درستی و غلطی آن هیچ اثری ندارد (ستاورن^۸، ۲۰۰۷: ۲۳). این اندیشه امروزه در علوم مختلف گسترش و تداوم یافته است به حدی که در عرصه تصمیم‌گیری نیز میان روش نتیجه‌گرای فایده‌گرایی و شیوه وظیفه‌گرایی اخلاقی و توجه به اصول ثابت، رقابت و تنازعی دیده می‌شود (تنر، ۲۰۰۷: ۱).

نظریه رشد

مفهوم رشد، یکی از مفاهیم اصیل اندیشه اسلامی است. با پیگیری این واژه در قرآن کریم می‌توان معانی بلوغ فکری، هدایت، نفع و خیر را برای مفهوم رشد استخراج کرد (انبیا/۵۱؛ جن/۱۰ و ۲۱ و بقره/۲۵۶). از سوی دیگر، جایگاه این مفهوم به گونه‌ای است که می‌توان آن را به‌عنوان یکی از اهداف زندگی انسان در نظر گرفت. برای این ادعا، لااقل می‌توان دو شاهد از ادبیات دینی ارائه کرد. از یک‌سو، رشد دادن و به رشد رساندن به‌عنوان فعل خداوند (کهف/۶۶) و اولیای الهی

1 - Utilitarianism

2 - Jeremy Bentham

3 - James Mill

4 - John Stuart Mill

5 - Henry Sidgwick

6 - Hastings Rashdall and John Jamieson Carswell Smart

7 - Deontological ethics

8 - Staveren, Irene

(نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۰: ۴۲۴) نسبت به مؤمنان سعادت‌مند معرفی شده و مشخص است که وقتی خدای متعال انسان را در جهت سعادت او سوق می‌دهد، او را به سمت هدف آفرینش می‌برد و نه به سمت دیگری. از این رو وقتی گفته شود که خدای متعال، سعادت‌مندان را رشد می‌دهد، نشان از این دارد که رشد، هدف یا یکی از اهداف زندگی انسان است. از سوی دیگر، ائمه هدی در دعاها و مناجات خود از خداوند طلب رشد می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۹۱). این نیز مشخص است که درخواست اهل بیت از خدای متعال، بی‌اهمیت و یا با اهداف آفرینش انسان بی‌ارتباط نیست؛ با این همه، تبیین تفصیلی این مفهوم را به‌عنوان نظریه‌ای که بتوان در علوم انسانی و اجتماعی در مقابل فایده‌گرایی از آن استفاده کرد باید به شهید مطهری نسبت داد (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۰۱). در ادامه در کنار تبیین مبانی نظریه رشد به‌منظور بررسی چگونگی تصمیم‌گیری رشد محور، دیدگاه شهید مطهری در این باب نیز مورد تبیین قرار گرفته است.

تصمیم‌گیری

در اصطلاح تخصصی، تصمیم‌گیری جوهره علم مدیریت معرفی، و تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است (سایمون، ۱۹۶۰: ۱۳۴؛ دفت، ۱۳۹۰: ۴۲۵). هم‌چنین نظریه‌پردازان بزرگی چون سایمون و پتر دراگر، مدیریت را با تصمیم‌گیری مساوی دانسته‌اند (باقریان، ۱۳۸۰: ۶۰). از سوی دیگر باید تأکید کرد که هر تصمیمی تحت تأثیر - و یا حتی نتیجه مستقیم - اعتقادات و تفکرات تصمیم‌گیرنده است (عزیزی، ۱۳۹۲)؛ لذا پرداختن به مبانی تصمیم‌گیری، چه تصمیم‌گیری رایج - که در این پژوهش تلاش شده است تا نشان داده شود که منبای آن فایده‌گرایی است - و چه تصمیم‌گیری اسلامی - که بر اساس آموزه‌های اسلامی از جمله منبای رشد اسلامی استوار است - سودمند و ضروری است. از سوی دیگر باید خاطر نشان کرد که از میان تعاریف مختلف تصمیم‌گیری، در این پژوهش به همان فهم مرسوم مدیریتی از تصمیم‌گیری توجه، و به عبارتی تصمیم‌گیری هم‌معنای اراده کردن فرض شده است (سایمون، ۱۹۶۰: ۱۳۴).

پیشینه پژوهش

هرچند اشاره شد که راهبرد مقایسه‌ای این پژوهش نو و بدیع است، سه دسته از پژوهشها را می‌توان به‌عنوان پیشینه پژوهش پیش رو در نظر گرفت. با توجه به اینکه این پژوهش با رویکردی اسلامی و رهیافتی مبنای‌گرایانه به مسئله تصمیم‌گیری پرداخته، دسته اول تحقیقات مدیریت اسلامی

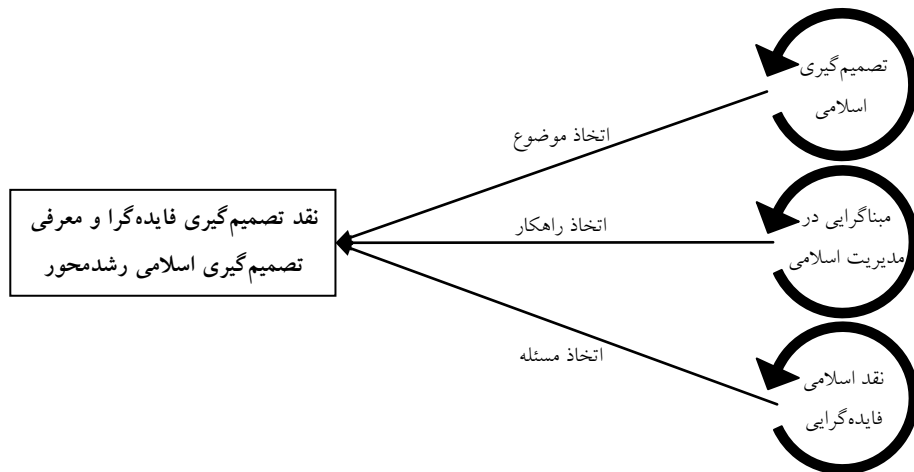
در عرصه تصمیم‌گیری و دسته دوم پیشینه پژوهش تحقیقات مدیریت اسلامی با روش مبنای‌گرایی است. در زمینه تصمیم‌گیری اسلامی پژوهش‌های فراوانی انجام شده که البته در غالب آنها صرفاً از بعد اخلاقی به این مسئله پرداخته شده است؛ با این حال در جدول مربوط به تصمیم‌گیری (جدول ۱) تلاش شده است جهت‌گیریهای مختلف این پژوهش‌ها پوشش داده شود و صرفاً به نمایش وجه غالب اکتفا نشود. دربارهٔ رویکرد مبنای‌گرایانه نسبت به مدیریت اسلامی با وجود پژوهش‌های مختلف در این عرصه باید اذعان کرد که هنوز هم نظریه رشد شهید مطهری در عرصه مدیریت اسلامی را می‌توان یکی از بهترین و غنی‌ترین نظریات این حوزه دانست که در این پژوهش نیز به تفصیل از نظریه ایشان استفاده شده است. به هر حال در جدول ۲ تلاش شده است تا خلاصه‌ای از این دسته از پژوهش‌ها ارائه شود. در این راستا ابتدا در جدول‌هایی جدا به برخی از آثار هر یک از این دسته‌ها اشاره‌ای می‌شود؛ سپس چگونگی استفاده مقاله از آن آثار در قالب شکلی مفهومی ارائه می‌شود.

جدول ۱: تصمیم‌گیری اسلامی، دیدگاه‌ها، تعاریف و ویژگیها

منبع	دیدگاه و تعریف	ویژگی
(علوی، ۱۳۸۶)	تصمیم‌گیری اسلامی صحیح بر اساس نگرش لا جبر و لا تفویضی شکل می‌گیرد.	نگرش مبنایی
(رحیمی و فرقانی، ۱۳۹۴)	براساس رویکرد فقهی مرسوم یعنی فقه جواهری بسیاری از مسائل تصمیم‌گیری در عرصه مدیریت قابل پاسخگویی است که از این میان می‌توان به مصلحت و جایگاه آن در تصمیمات مدیریتی اشاره کرد.	نگرش فقهی
(دهقانی و همکاران، ۱۳۹۱)	عدالت اسلامی، محور تصمیم‌گیری اسلامی است و ادراک عدالت نیز نقشی اساسی دارد.	نگرش اجتماعی
(عظیمی و همکاران، ۱۳۹۱)	بخشی از تصمیم‌گیری اسلامی با اخلاقیات مرتبط است که در ارتباط با فرودستان، همکاران و مدیران و مراجعه کنندگان شکل می‌گیرد که تمامی این موارد تحت تأثیر محیط سازمان است.	نگرش اخلاقی
(جوادی آملی، ۱۳۷۲)	مشورت، آرامش و طمأنینه، توجه به حضور در محضر الهی و بررسی دقیق و همه‌جانبه، معیارهای تصمیم‌گیری اسلامی است.	چند بعدی
(عزیزی و رازینی، ۱۳۹۴)	آموزه‌های اسلامی در هر سه عرصه احکام، اخلاق و اعتقادات در تصمیم‌گیری مؤثر است که تقدم و تأخر آنها در الگوی تصمیم‌گیری اسلامی ارائه شده؛ اما بصیرت محوریت‌ترین آموزه مؤثر در تصمیم‌گیری اسلامی است.	نگرش همه‌جانبه + اولویت‌بندی آموزه‌ها

جدول ۲: پژوهش‌های مبنایی یا مبنای‌گرایی در عرصه مدیریت اسلامی

منبع	توضیح اجمالی	ویژگی
(مطهری، ۱۳۹۰: ۱۰۵)	معرفی عرصه‌هایی از مدیریت که می‌توان برای آنها از قرآن کریم و سیره قولی و عملی اهل بیت(ع)، اصولی استخراج کرد.	جامعیت، جاذبه، امکان اجرا
(مکارم شیرازی، ۱۳۷۱)	جامعه انسانیت جزئی از عالم هستی و انسان، دنیایی کوچک است؛ لذا کارآمدترین مدیریت مدیریتی است که با درس‌آموزی از جلوه‌های مدیریت الهی در آفاق و انفس شکل گرفته باشد.	تأکید بر توحید افعالی به‌عنوان سرچشمه مدیریت اسلامی
(مصباح یزدی، ۱۳۹۲)	فراگیری و شمول، برخورداری از انسجام، امکان تبیین عقلانی، تبیین لذت و سود نامحدود، حسن فعلی و فاعلی و مراتب داشتن ارزشها از ویژگیهای نظام ارزشی اسلام است که راه‌اندازی مدیریت اسلامی نیز مستلزم آنهاست.	تأکید بر انسانشناسی



نگاره ۱: پیشینه پژوهش

در توضیح این نگاره باید افزود، واضح است این شکل مفهومی مختصر به هیچ عنوان به منظور طراحی چارچوب مدیریت اسلامی یا تصمیم‌گیری اسلامی طراحی نشده، بلکه صرفاً عهده‌دار نشان دادن آثاری است که در ایجاد موضوع، راهکار و مسئله این مقاله نقش داشته است.

روش پژوهش

در این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است؛ به علاوه تحلیل داده‌ها و انتخاب منابع با استفاده از روش تطبیقی انجام شده است. تحلیل تطبیقی به معنای

توصیف و تبیین همانندیها و تفاوتهای شرایط یا نتایج میان واحدهای اجتماعی مانند ملتها، جوامع، مکاتب و فرهنگهاست (غفاری، ۱۳۸۸). هم‌چنین، راهبرد نظریه‌پردازی در این پژوهش استفاده از راهکار مبنایگرایی بوده است. مبنایگرایی معرفت‌شناختی بر این اصل مهم استوار است که معرفت به‌صورت لایه‌لایه و داری هسته و پوسته است و روبناها بر مبنای لایه‌های زیربنایی شکل می‌گیرد (خندان، ۱۳۸۸: ۵-۱۵). ریشه مبنایگرایی را باید در اندیشه اقلیدس اسکندرانی (سیصد سال پیش از میلاد) یافت و یک نمونه و نتیجه از مبنایگرایی نیز اتقان بی‌نظیر هندسه اقلیدسی است که آوازه‌ای جهانی دارد. به علاوه، این نگاه در بسیاری از علوم دیگر از جمله در عرصه علوم انسانی اسلامی نیز مورد توجه بوده است (خندان، ۱۳۸۸؛ گرینبرگ ۱۳۶۳: ۷-۲۰). شهید مطهری - که از نظریه‌رشد ایشان نیز در همین مقاله استفاده شده است - با تقسیم‌بندی آموزه‌های دینی به سه بخش جهان‌بینی، معرفت‌شناسی و ایدئولوژی، وضعیت لایه‌لایه این سه بخش را این‌گونه شرح می‌دهند: «ایدئولوژی هر مکتب مبتنی است بر جهان‌بینی آن و جهان‌بینی آن مبتنی است بر نظریه‌اش درباره معرفت» (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۰۰). همان‌طور که مشخص است در این پژوهش نیز - همان‌طور که در ادامه نشان داده شده - بر این اساس که مبنای تصمیم‌گیری مدیریتی رایج فایده‌گرایی است به بررسی و نقد تأثیرات مکتب فایده‌گرایی در نظریه‌های تصمیم‌گیری مدیریتی اقدام شده است. البته، همان‌طور که در ادامه خواهید دید، شواهد مؤید این فرض نیز در مقاله موردبررسی قرار گرفته است. سرانجام به منظور افزودن روایی و پایایی نتایج از شیوه گروه تمرکز^۱ - که از روشهای مرسوم برای چنین پژوهشهایی (پژوهشهای کیفی به منظور شناخت تفاوتها و نتایج متفاوت دو مفهوم) است (هنیک، ۲۰۰۷: ۱؛ مورگان، ۱۹۹۸: ۵۹) - در میان صاحب‌نظران مدیریت اسلامی و پس از تبیین تفصیلی مکتب فایده‌گرایی در جلسات متعدد استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

۱ - بررسی انتقادی مبانی نظری فایده‌گرایی

تبیین کامل مکتب فایده‌گرایی حتی در یک کتاب بسیار مفصل نیز ممکن نیست؛ چراکه برای طرح و بررسی هر یک از اصول آن کتابها نگاشته شده است؛ لذا در این پژوهش، تنها به بررسی انتقادی ابعادی از این مکتب پرداخته شده که بیشترین تأثیر را در نظریه‌های تصمیم‌گیری مدیریتی

داشته است. چنانکه ذکر شد، فایده‌گرایی هم به‌عنوان مکتب فلسفه اخلاق و هم به‌عنوان مکتب فلسفه سیاست قابل بررسی است. بدون شک از فایده‌گرایی نیز مانند دیگر مکاتب فلسفه اخلاق و سیاست، تلقی واحد و منحصر به فردی ارائه نشده و تلقی‌های مختلفی در این زمینه از سوی متفکران مختلف مطرح شده است (اگلستون^۱، ۲۰۱۴: ۲۰)؛ به تعبیری می‌توان بیان کرد که این مکتب در اصل و در آرای آباب بنیانگذاری چون بنتام و جیمز میل به‌عنوان مکتب فلسفه اخلاق مطرح شد؛ اما تأثیراتی که رویکرد فایده‌گرایانه در عدالت اجتماعی و آزادی داشته و نیز تلاشهایی که جان استوارت میل در تبیین دوباره این اندیشه کرده، باعث توجه به آن به‌عنوان مکتب فلسفه سیاست شده است. جان استوارت میل را باید اصلی‌ترین فردی دانست که در تاریخ فایده‌گرایی ظهور کرده است (دونر، ۱۹۹۸، ۲۵۳). زیربنای تفکر فایده‌گرا تصور انسان به‌عنوان موجودی است که تحت حکومت و سلطه کامل دو فرمانروای درد و لذت است و فکر و ذکر و عمل او همه در اثر این دو فرمانرواست (بنتام، ۲۰۰۰: ۱۴) و چنانکه حامیان این نظر بیان می‌کنند هرچند فایده‌گرایی به‌عنوان نظریه‌ای اخلاقی، چهره‌های مختلفی دارد، یک فکر مرکزی به همه این چهره‌ها شکل می‌دهد. فایده‌گرایی، فایده یا ارزش درونی را مبنای کامل اخلاق قرار می‌دهد (دونر، ۱۹۹۸: ۲۵۶).
تلقی‌های مختلف از فایده‌گرایی

پیش از ورود تفصیلی به بیان مبانی فایده‌گرایی شایسته است که تلقی‌های مختلفی را که از افکار اصلی این مکتب بیان شده است به اجمال معرفی کنیم. باید توجه کرد که فایده‌گرایی در دوران طولانی طرح و بحث آن دچار تحولات و تغییراتی نیز شده است به‌گونه‌ای که برخی فایده‌گرایی بنتامی را خیلی ساده و روشن می‌دانند و معتقدند که جان استوارت میل با تبیین متفاوتی که از فایده‌گرایی ارائه کرد، آن را قدری پیچیده‌تر کرده است (سولومون، ۲۰۰۵: ۶۶).

فایده‌گرایی در ساده‌ترین شکل خود به این صورت تعریف شده است: حق اخلاقی یا سیاست درست چیزی است که بیشترین سعادت^۲ را برای بیشترین تعداد از افراد جامعه فراهم کند (کیمیلیکا، ۲۰۰۲: ۹). چنانکه میل معتقد است کار درست، کاری است که حداکثر سعادت را ایجاد کند (کریپس، ۱۹۹۷: ۱۰۲)؛ به عبارت بهتر فایده‌گرایی در صورت‌بندی کلاسیک آن، فایده را معیار سنجش به‌روزی فرد مطرح می‌کند که بر اساس آن گزینه اجتماعی الف از گزینه اجتماعی

1 - Eggleston, Ben

2 - Happiness

بهتر است اگر و فقط اگر مجموع فایده‌های فردی در الف از مجموع فایده‌های فردی در ب بیشتر باشد (فلیوری، ۲۰۰۸: ۱۱).

این تعریف ساده نشان‌دهنده تمام ابعاد این مکتب نیست و این گونه ساده جمع‌بندی فایده‌ها مورد انتقادات فراوان قرار گرفته است (فلیوری، ۲۰۰۸: ۱۸). دو شاخصه سودگرایی، که باعث جذابیت این نظریه اخلاقی به‌عنوان مکتب فلسفه اجتماعی می‌شود، این است که اولاً سودگرایان مدعی هستند که اهدافی که سودگرایی به دنبال تحقق آن است به وجود خدا یا روح و یا هر موجودیت متافیزیکی مشکوکی وابسته نیست و جذابیت متفاوت ولی مرتبط دیگر آن این است که سودگرایی کاملاً نتیجه‌گراست. این دو ویژگی، که برای عده‌ای جاذبه داشته، باعث پذیرش گسترده فایده‌گرایی و نفوذ آن در بسیاری از مکاتب فکری دیگر شده است (کیمییکا، ۲۰۰۲: ۱۱).

سه سؤال اصلی، که می‌توان نظر فایده‌گرایان را در پاسخ به این سؤالات دسته‌بندی کرد به

شرح زیر است:

- ۱ - چستی نفع یا فایده بشر
- ۲ - چگونگی بیشینه‌سازی نفع یا فایده بشر
- ۳ - چگونگی پابندی به فکر برابری‌گرایی به گونه‌ای که به منفعت هر عضو از جامعه وزن و ارزش برابری داده شود.

در مورد سؤال اول و چگونگی پاسخ به آن فایده‌گرایان را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: الف) رفاه لذتگرا^۱: مطابق این تعریف از نفع، احساس لذت، اصلی‌ترین مسئله برای سعادت بشر است و تجربه یا احساس لذت اصلی‌ترین خیری است که بشر به دنبال آن است. از این دیدگاه، احساس لذت به خودی‌خود، خیر و هدف به شمار می‌رود (کیمییکا، ۲۰۰۲: ۱۳)؛ اما به این تصور، که احساس لذت را معنی اصلی نفع بدانیم، انتقاداتی وارد است. یکی از این انتقادات رایج از طریق مثال «ماشین لذت» تبیین شده است. در این مثال گفته می‌شود ماشینی را فرض کنید که با قرار گرفتن انسان در درون آن و تزریق مداوم دارو، باعث می‌شود که انسان دائماً «احساس لذت» کند (نوزیک^۳، ۱۹۷۴: ۴۲). شایان ذکر است که نقد این تصور از فایده‌گرایی بر اساس ماشین لذت، بسیار رایج و مورد پذیرش اندیشمندان و فیلسوفان سیاسی است (کیمییکا، ۲۰۰۲: ۱۶).

1 - Fleurbaey, Marc

2 - Welfare hedonism

3 - Nozick, Robert

نظریه پردازان بر اساس شهودگرایی^۱ نشان داده‌اند که چنین وضعیتی به هیچ عنوان مطابق خواست انسانها نیست؛ اما مطابق این تعریف از نفع باید چنین ماشینی آرزوی همه انسانها باشد؛ لذا این تعریف از نفع مورد قبول نیست.

ب) تعریف غیر لذت‌جویانه از نفع: نفع به عنوان حالتی ذهنی^۲. در این تلقی، نفع تنها به احساس لذت ختم نمی‌شود؛ بلکه همه احساسهای ارزشمند دیگر غیر از لذت را نیز در بر می‌گیرد. احساساتی نظیر آرامش حاصل از تعمق دینی و... باید گفت که به این تلقی از نفع نیز انتقادی مشابه تعریف قبلی - بر اساس ماشین لذت - وارد است (کیمیلیکا، ۲۰۰۲: ۱۴؛ لوماسکی، ۱۹۸۷: ۲۳۱). توضیح اینکه فرض کنید با تزریق موادی از طریق ماشین لذت به کسی احساس قهرمانی یا احساس موفقیت در زندگی دست دهد؛ در این حالت نیز بر اساس مبانی شهودگرایی می‌توان بیان کرد که کسی این نوع از حالت ذهنی را با حالتی یکی نمی‌داند که واقعا تجربه قهرمانی و موفقیت برای انسان به دست آید و به آن رضایت نمی‌دهد.

ج) برآورده کردن ترجیحات^۳: مطابق این تلقی، بیشینه کردن نفع بشر به معنی برآورده کردن ترجیحات او - هرچه که باشد - است؛ اما این تلقی هم مورد انتقاد قرار گرفته است. فرض کنید ما در رستورانی هستیم و می‌خواهیم غذا سفارش دهیم. اگر ما پیتزا را بر غذای چینی ترجیح دهیم، بیشینه کردن نفع ما گرفتن پیتزا است؛ اما اگر آن پیتزا مسموم یا فاسد باشد، مسلماً برآورده شدن ترجیح ما به نفع ما نیست. علاوه بر این بر اساس شهودگرایی بخوبی می‌فهمیم که در موارد متعددی انسانها از تحقق ترجیحات سابق خود ضرر می‌کنند و پشیمان می‌شوند. به طور کلی مفهوم پشیمانی که انسانها در زندگی خود بارها و بارها با آن روبه‌رو می‌شوند بر بطلان این نظر دلالت دارد.

د) ترجیحات آگاهانه^۴: مطابق این تلقی، نفع به معنی برآورده کردن ترجیحاتی است که آگاهانه و عقلایی باشد (کیمیلیکا، ۲۰۰۲: ۱۶). این تلقی از نفع، نسبت به باقی تعاریف نسبتاً درست‌تر به نظر می‌رسد؛ اما می‌توان انتقاداتی را به آن وارد کرد: اولاً، عقلایی و آگاهانه بودن مفاهیم مناقشه‌پذیر است و چنین مناقشاتی خلاف فرض اولیه فایده‌گرایان است که تلاش می‌کردند تا از مناقشات نظری و فلسفی بکاهند. ثانیاً، ترجیحات «معقول» فراوان و متعددی هست؛ اما با چه

1 - Intuitionism

2 - Non-hedonistic mental-state utility

3 - Preference satisfaction

4 - Informed preferences

مبنایی باید یکی را بر دیگری اولویت داد. با این اوصاف، نقد اساسی که به این تعریف از نفع وارد است از بین بردن سادگی و نتیجه‌گرایی فایده‌گرایی است.

شایان ذکر است، هر یک از تعاریف مختلف فایده‌گرایان از نفع یا فایده به سهم خود در مدیریت تأثیرگذار بوده است، به عنوان نمونه، علاوه بر معنای سوم فایده، که تأثیر آن در نظریه‌های تصمیم‌گیری مدیریتی به تفصیل در ادامه تبیین شده، معنای چهارم از فایده نیز در مدیریت بی‌تأثیر نبوده است؛ به عنوان نمونه، سبک مدیریتی پدران - به دلیل اعمال نظرهایی که مدیر با توجه به آگاهی خود انجام می‌دهد (مکویی، ۲۰۰۴) - را باید تحت تأثیر چهارمین معنای نفع از نظر فایده‌گرایان دانست. بر این اساس در پاسخ به سؤال اول می‌توان نظر فایده‌گرایان را در جدول ذیل دسته‌بندی کرد:

جدول ۳: تعاریف مختلف از فایده

فایده تحت عنوان	تعریف فایده	نتیجه‌گرایی
رفاه لذتگرا	احساس لذت، اصلی‌ترین مسئله سعادت بشر است.	بسیار زیاد
به‌عنوان حالتی ذهنی	احساس لذت + همه احساسهای ارزشمند دیگر	زیاد
برآورده کردن ترجیحات	بیشینه کردن نفع بشر به معنی برآورده کردن ترجیحات اوست.	متوسط یا کم
ترجیحات آگاهانه	تنها برآورده کردن ترجیحاتی که آگاهانه و عقلایی باشد، نفع را بیشینه می‌کند.	کم

چنانکه ذکر شد، فایده‌گرایان مدعی هستند که رفتاری درست است که به بیشترین فایده برای بیشترین تعداد منجر می‌شود (کریسپ، ۲۰۰۲: ۲۷)؛ اما فایده‌گرایان در پاسخ به سؤال دوم، یعنی چگونگی بیشینه‌سازی نفع یا فایده بشر، نیز نظر واحدی ارائه نکرده‌اند؛ زیرا انتقادات مختلفی به اصل بیشینه‌سازی نفع وارد، و این اصل دچار مسائل و چالشهای متعددی است؛ به‌طور مثال ترجیحات مردم ممکن است در تعارض با هم باشند. پس باید ترجیحات کدام‌یک از مردم بیشینه شود؟ فایده‌گرایان در پاسخ به سؤال دوم دچار دو دستگی جدی شده‌اند:

- فایده‌گرایی اخلاقی^۱ همه‌جانبه یا فایده‌گرایی به‌عنوان نظریه جامع تصمیم‌گیری: اولین شکل اجرایی مکتب فایده‌گرایی به کار بستن آن به‌عنوان یک نظریه جامع تصمیم‌گیری است. در این شکل آموزه‌های مکتب فایده‌گرایی باید مستقیماً در هر تصمیمی - حتی در مسائل فردی - به کار

1 - Comprehensive moral utilitarianism

بسته شود؛ به عبارت دیگر در این شکل اجرایی مکتب فایده‌گرایی، باید برای هر تصمیمی محاسبات پیشینه‌سازی نفع انجام شود.

- فایده‌گرایی سیاسی^۱: در این شکل، مکتب فایده‌گرایی به عنوان سیاست‌گذاری و مسیر کلی به کار گرفته می‌شود و دیگر در هر تصمیم روزمره مستقیماً مؤثر نیست. بر این اساس این نهادهای اصلی اجتماع هستند که باید به صورت فایده‌گرایانه شکل بگیرند و عمل کنند و هر فردی موظف نیست که کاملاً فایده‌گرایانه تصمیم‌گیری کند (پوچمن^۲، ۲۰۰۹: ۸۴).

شایان ذکر است، مکتب فایده‌گرایی در هر دو شکل اجرایی خود در مدیریت تأثیرگذار بوده است؛ اما سادگی و صراحت شکل اول ممکن است باعث شود، تنها به تأثیرات شکل اول مکتب فایده‌گرایی در مدیریت توجه، و از تأثیرات بیشتر شکل دوم غفلت شود. علاوه بر این باید توجه کرد که بسیاری از انتقادات معمول وارد بر مکتب فایده‌گرایی تنها بر شکل اول این مکتب وارد است و دومین شکل اجرایی این مکتب از بعضی از این انتقادات مصون است؛ لذا بدون توجه به تفاوت‌های این دو شکل اجرایی، نمی‌توان در مقابل این مکتب موضع انتقادی مناسبی گرفت.

اصول فایده‌گرایی

آشنایی اجمالی با اندیشه فایده‌گرایی نشان می‌دهد که می‌توان مبانی ذیل را به عنوان مبانی اصلی فایده‌گرایی عنوان کرد که در بحث ما به طور جدی دخیل است:

- نتیجه‌گرایی، امکان محاسبه و محاسبات در ظاهر روشن

یکی از مبانی اصلی فایده‌گرایی نتیجه‌گرایی، امکان محاسبه و محاسبات روشن و مشخص در عرصه انتخاب‌های اخلاقی و اجتماعی است. فایده‌گرایان تصور می‌کردند که با تمسک به مبانی آنها می‌توان بخوبی امکان گرایش به نتیجه‌های بهتر و برتر را از طریق ایجاد محاسبات روشن شکل داد. از این روست که گفته می‌شود، مشهورترین نظریه اخلاقی که از نتیجه‌گرایی حمایت می‌کند، فایده‌گرایی است که جرمی بنتام و جان استوارت میل آن را شکل داده‌اند (کریسپ، ۲۰۰۲: ۲۷). میزان جدیت اندیشه نتیجه‌گرایی در تفکر فایده‌گرایی به حدی است که گاه به جای فایده‌گرایی از آن به شیوه نتیجه‌گرایی تعبیر می‌کنند و این دو را کاملاً به صورت مترادف به کار می‌برند (ترنر، ۲۰۰۷: ۱).

1 - Political utilitarianism

2 - Pojman, Louis P.

- برابری گرایي و پايبندی به شعارهای برابری گرایانه

در اندیشه فایده گرایی، برابری انسانها با یکدیگر - از جمله برابری زنان و مردان یا اقشار مختلف (ریلی^۱، ۱۹۹۸: ۲۹۳) - مبنایی است که زیربنای همه مباحث فایده گرایی و حداکثرسازی سود قرار گرفته است (ریان^۲، ۱۹۹۰: ۱۹۷). البته باید توجه کرد که برابری گرایي نهفته در اندیشه فایده گرایی در دهه های پایانی قرن بیستم مورد توجه بیشتری قرار گرفته است (اگلیستون، ۲۰۱۴: ۹۱).

- انسان محوری

فایده گرایی به عنوان اندیشه ای مدرن، خارج از عرصه تفکرات اومانیستی قرار نمی گیرد به گونه ای که برخی از متفکران از تأثیر بسزای آثار و اندیشه های آباء فایده گرایی از جمله جان استوارت میل در برتری تفکر اومانیستی در غرب سخن گفته اند (لامونت^۳، ۱۹۹۷: ۳۹). از این دیدگاه، تأکید جدی نویسندگان چون بنثام و میل بر منافع فردی و پی جویی آن بدون توجه جدی به اومانیسم و مینا قرار دادن آن ممکن نبود و از این رو این نویسندگان با اصل قرار دادن منافع فردی زمینه ساز گسترش اومانیسم بوده اند (لامونت، ۱۹۹۷: ۳۰۴)؛ زیرا نوعی از «خودخواهی»^۴ اخلاقی مورد تأکید این نویسندگان زمینه ساز توجه به انسان محوری شناخته شده است (لامونت، ۱۹۹۷: ۲۶۸).

- مادی گرایی در درک از انسان و سعادت او (سردرگمی فایده گرایان در مفهوم فایده)

مشخص است که فایده گرایان در درک از انسان و سعادت او کاملاً مادی گرایانه عمل می کنند. این مادی گرایی و حتی پرهیز از ورود به مباحثی که از نظر آنان متافیزیکی، مشکوک و مناقشه انگیز جلوه می کند از ویژگیهای مثبت و جذابیتهای این مکتب تصور شده است که در میان متفکران مدرن، باعث پذیرش گسترده فایده گرایی و نفوذ آن در بسیاری از مکاتب فکری دیگر شده است (کیمیلیکا، ۲۰۰۲: ۱۱). در بیان تلقی های مختلف فایده گرایان از مفهوم نفع نیز ذکر شد که شدت توجه به بعد مادی نفع و لذت و به نوعی افراط فایده گرایان اولیه در این زمینه به انتقاداتی از سوی فایده گرایان بعدی و بیان تلقی های جدیدی از این مفهوم منجر شد که تا حد امکان کمتر

1 - Riley, Jonathan

2 - Ryan, Alan

3 - Lamont, Corliss

4 - Selfish

مادی‌گرایانه باشد.

- فردگرایی

از آنچه ذکر شد مشخص می‌شود که فایده‌گرایی در صورت‌بندی کلاسیک آن، فایده را معیار سنجش به‌روزی فرد مطرح می‌کند که بر اساس آن گزینه اجتماعی الف از گزینه اجتماعی ب بهتر است اگر و فقط اگر مجموع فایده‌های فردی در الف از مجموع فایده‌های فردی در ب بیشتر باشد (فلپوربی، ۲۰۰۸: ۱۱). مسئله فردگرایی برای فایده‌گرایان به حدی از اهمیت برخوردار است که میل به‌عنوان یکی از بنیانگذاران این اندیشه نگران است که آموزش‌های عمومی یکسان با ایجاد مجموعه‌ای واحد و عمومی از آرا و اندیشه‌ها به فردگرایی آسیب برساند و از این‌رو نسبت به آن اظهار نگرانی می‌کند (ریان، ۱۹۹۰: ۱۷۸).

از این‌روست که برخی از متفکران یادآور شده‌اند که در وهله اول باید توجه کرد که از دید متفکران فایده‌گرایی مانند جان استوارت میل، امنیت، بقا و فردگرایی بر همه منافع پایدار دیگر اولویت دارد (ریلی، ۱۹۹۸: ۳۱۵).

- سادگی ظاهری و ساده‌سازی مباحث اخلاقی

شاید در ابتدا نتوان سادگی و ساده‌سازی را به‌عنوان مبنای مکتب اجتماعی برشمرد؛ اما باید توجه کرد که ساده‌سازی مباحث مناقشه‌انگیز اخلاقی از ادعاهای اصلی فایده‌گرایان بوده است (کیمیلیکا، ۲۰۰۲: ۱۱). بر این اساس است که در مورد فایده‌گرایی باید استثنائی قائل شد و ساده‌سازی و حتی سهل‌انگاری مباحث مناقشه‌انگیز در تصمیم‌گیریهای فردی، اخلاقی و اجتماعی را از ویژگیهای این مکتب برشمرد. صورت‌بندی اولیه فایده‌گرایی به حدی ساده‌انگارانه است که میل در مورد بنثام می‌نویسد که «او تا انتها یک پسر» (میل، ۲۰۰۶: ۷۶) بوده است که در مورد پیچیدگیهای تصورات انسان بخوبی تأمل نکرده است (کریسپ، ۲۰۰۲: ۳۲). به علاوه، چنانکه در بیان تلقی‌های مختلف از مفهوم نفع نزد فایده‌گرایان مشخص شد، این ساده‌سازی و یا ساده‌انگاری تا حد زیادی فریبنده است؛ به همین دلیل است که برخی با زیر سؤال بردن رابطه بین فعل و نتیجه آن و نقد ساده‌انگاری فایده‌گرایان در این زمینه، فایده‌گرایی را نقد کرده‌اند (کریسپ، ۲۰۰۲: ۳۱).

۲ - مبانی نظریه رشد

جایگاه مفهوم رشد در ادبیات دینی به‌قدری والاست که بعضی از لغت‌شناسان اظهار کرده‌اند که به هر آنچه ستوده باشد، رشد می‌گویند و در مقابلش به هر آنچه مذموم باشد، «غی» خطاب

می‌شود (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۴۵۳)؛ با این حال، همان‌طور که ذکر شد، واژه‌شناسی مفهوم رشد در قرآن ما را به معانی دقیقتر «بلوغ فکری، هدایت، نفع و خیر» می‌رساند. باید افزود هرچند معنای بلوغ فکری به‌طور مستقیم از آیات قرآن قابل برداشت است، سه معنای دیگر را باید از تقابلهای ذکرشده برای مفهوم رشد در قرآن استنباط کرد. توضیح اینکه در آیات قرآن رشد در مقابل سه واژه شر (جن/۱۰)، ضرر (جن/۲۲) و غی یا گمراهی (بقره/۲۵۶) به کار رفته است؛ لذا از این تقابلهای به ترتیب سه معنای خیر، نفع و هدایت برای رشد ثابت می‌شود. شایان ذکر است این معنای هنگام تبیین اصول نظریه رشد، راهگشا خواهد بود. به علاوه در ادامه خواهیم دید که نتیجه‌گیری نهایی، که تلاش شده است با توجه به سیاق آیات استخراج شود با دیدگاه تفسیر المیزان نیز همراستا است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۴۲).

از سوی دیگر برای فهم بهتر نظریه رشد، باید به آموزه دینی «مسلمان کامل» توجه کرد. این آموزه دینی، که در آثار نظریه‌پردازان اسلامی چون شهید مطهری با عنوان انسان کامل خود را نشان داده در کوتاهترین تعریف به این معناست که «کمال انسان در تعادل و توازن اوست» (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۸). ایشان در ادامه سه شرط وجود «همه ارزشهای انسانی» «در حد اعلی» و به‌صورت «همانگ» را برای انسان کامل ذکر می‌کنند (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۸)؛ لذا رشد اسلامی را هم باید همه‌جانبه دانست و نباید رشد را به جنبه‌ای خاص محدود کرد؛ به‌عبارت دیگر رشد اسلامی ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی و اقتصادی و تربیتی، فکری و روانی را در بر می‌گیرد. البته مفهوم رشد و معانی چهارگانه آن خود به‌تنهایی تا میزانی از ذوابعدی و همه‌جانبگی را متبادر می‌کند؛ با این اوصاف، نظریه رشد اسلامی را نباید هم‌تراز نظریات روانشناختی چون رشد رفتاری، رشد شناختی (رسولی و همکاران، ۱۳۹۴) و یا حتی رشد ایمانی (فاولر^۱، ۲۰۰۴) در نظر گرفت.

در زمینه رشد اسلامی باید افزود، بررسی آیات و روایات مرتبط نشان می‌دهد که رشد اسلامی - مانند هر مسئله دیگری از دید اسلام - در قدرت و اختیار الهی قرار دارد و برای رسیدن به رشد، همان‌طور که سیره اهل بیت نشان می‌دهد، باید با دعا و نیایش از خداوند طلب رشد کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۴۸). از سوی دیگر، رشد به‌عنوان وظیفه و دستور الهی مطرح است که انسان باید خودش به دنبال آن برود؛ همان‌طور که امام هادی (ع) در خطاب به پدران معصومشان، امر آنها را

به‌عنوان اولیای الهی، «امر به رشد» و عین رشد معرفی می‌کنند (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۰: ۴۲۴). از سوی دیگر، باید توجه کرد که در ادبیات دینی گاهی رشد پیش‌شرط بسیاری از توفیقات و بهره‌مندی از فرصت‌های معنوی اعلام می‌شود؛ همان‌طور که امیرالمؤمنین (ع) اسلام را تنها برای کسی مایه طهارت می‌داند که به رشد رسیده باشد (ثقفی، ۱۴۱۰: ۸۳). با این اوصاف، باید اعلام کرد که علاوه بر معانی چهارگانه رشد - یعنی بلوغ فکری، هدایت، نفع و خیر - سه جایگاه «رشد» به‌عنوان وظیفه، رشد به‌عنوان توفیق الهی و رشد به‌عنوان پیش‌شرط بهره‌مندی از توفیقات الهی» برای مفهوم رشد قابل معرفی است. با در نظر گرفتن همه این موارد و تلاش برای در نظر گرفتن سیاق آیات در زمینه رشد و بررسی تفصیلی احادیث ذیل این آیات می‌توان به استخراج روح معنای لفظ رشد اقدام کرد و ویژگی را که در همه کاربردهای مختلف رشد جاری است، «حرکت به‌سوی مسلمان کامل» دانست. شایان ذکر است این روح معنا با معنایی که علامه طباطبایی از رشد ارائه کرده‌اند نیز (با توجه به ارتباط و نه هم معنایی رشد و هدایت و تأکید بر مسیر و حرکت در هر دو دیدگاه (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۴۲) - مطابقت دارد.

صرف نظر از مفهوم رشد اسلامی، لازم است به جایگاه نظریه رشد پردازیم. همان‌طور که اشاره شد، نظریه رشد در ارتباط با مدیریت اسلامی و به‌عنوان مبنای مدیریت اسلامی مطرح شده است. در اهمیت و نقش مرکزی رشد در مدیریت اسلامی همین بس که شهید مطهری رشد اسلامی را معادل اصطلاح مدیریت معرفی می‌کنند: «اگر بخواهیم مرادفی برای (مدیریت و رهبری) در مصطلحات اسلامی پیدا کنیم باید بگوییم ارشاد و رشد یا هدایت و رشد» (مطهری، ۱۳۶۴: ۲۰۹). شهید مطهری در ادامه نظر خود را در باب رشد اسلامی این‌گونه معرفی می‌کند: «انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره‌برداری از سرمایه‌ها و امکانات مادی و معنوی را که به او داده شده است داشته باشد» (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۰۱). او در ادامه این دیدگاه را توسعه می‌دهد و رشد ملی را این‌گونه معرفی می‌کند: «لیاقت و شایستگی یک ملت برای نگهداری و بهره‌برداری و سود بردن از سرمایه‌ها و امکانات» (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۰۲). ایشان در ادامه به دو ویژگی اساسی جهت صحیح دادن، قدرت و انگیزه و نیروبخش بودن این مفهوم اشاره می‌کند (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۲۴). مطابق این موارد، نظریه رشد از دید شهید مطهری را می‌توان به این صورت بازسازی کرد: رشد، که در مصطلحات اسلامی با مدیریت و رهبری مترادف است و در دو سطح فردی و اجتماعی قابل طرح است به‌عنوان وظیفه مدیر و رهبر اسلامی قابل معرفی است؛ یعنی وظیفه

محوری مدیر اسلامی به رشد رساندن است؛ یعنی کاری کند که فرد یا گروه زیرمجموعه او شایستگی و لیاقت نگهداری و بهره‌برداری از سرمایه‌ها و امکاناتش را بیابد. حال که مفهوم و نظریه رشد مورد بررسی قرار گرفت، می‌توان به تبیین اصول و مبانی رشد اسلامی پرداخت.

- محاسبه‌گری متوجه محدودیتها

در منظومه اندیشه اسلامی، محاسبه‌گری جایگاهی ویژه دارد و امام صادق (ع) آن را نشانه ورع معرفی می‌کنند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۴۲). باید توجه کرد محاسبه‌گری دینی، که با تعبیر محاسبه نفس در ادبیات دینی ذکر شده است به‌هیچ‌عنوان داعیه ساده‌انگارانه روشن‌شدن همه جهات مسئله را پس از محاسبه ندارد. این مسئله از توجه به آموزه خوف و رجا در ادبیات دینی مشخص می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۷۱۳). توضیح اینکه، چون محاسبه‌گری دینی متوجه محدودیت‌های محاسبه‌گری است، محاسبه‌گر دینی می‌داند که نتایج محاسبه‌اش قطعی نیست و همیشه بین دو حالت خوف و رجا قرار دارد. البته آموزه‌هایی چون توکل و توسل را، که از جمله آموزه‌های تأثیرگذار در تصمیم‌گیری اسلامی است (عزیزی و رازینی، ۱۳۹۴)، می‌توان جبران‌کننده محدودیت‌های محاسبه‌گری دانست.

- عدالت محوری

عدل در اندیشه اسلامی به حدی مهم است که مقدمه ضروری و وجودی توحید معرفی شده است (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۴). به علاوه عدالت محوری در نظریه رشد اسلامی حضور پررنگی دارد؛ چرا که عدالت، مقدمه وجودی توحید و هدف بعثت انبیا بوده (مطهری، ۱۳۷۴: ۷۸) و رشد و به رشد رساندن نیز هدف هر مدیر و رهبری (از جمله انبیا) است (مطهری، ۱۳۶۴: ۲۰۹). وارد شدن به بحث عدالت در چنین مدخل کوتاهی به‌هیچ‌عنوان ممکن نیست. در نتیجه باید درنهایت اختصار تنها اشاره کرد که عدل اسلامی متوجه حسن و قبح ذاتی افعال است (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۳۸۱) و با اندیشه‌های ساده‌انگارانه برابری یا جبرانی متفاوت است.

- حق محوری

در مورد این اصل نظریه رشد باید خاطر نشان کرد وقتی انسان صرف مادیات و جسم او در نظر گرفته نشود، تعارضی بین اصالت انسان و محور قرار گرفتن او در فهم و پی‌جویی منافع با حق محوری وجود ندارد. می‌توان انسان به معنی متعالی آن را محور فهم و پی‌جویی منافع قرار داد

و این امر با اومانیزم تمایز جدی دارد.

- بلندنظری (نقش عوامل معنوی و غیر مادی) در درک از انسان و سعادت او
در تفکر اسلامی، انسان عالم صغیر است و سعادت او حرکت به سوی مسلمان کامل شدن و قرب الهی است (طبرسی، ۱۳۶۵: ۳۶۳)؛ لذا در این نظام فکری، سعادت انسان در دست یافتن به نیازهای مادی خلاصه نمی‌شود. در این راستا باید افزود چندوچون سعادت انسان از دید اسلامی در بهترین و ساده‌ترین وجه بر اساس دیدگاه انسان کامل قابل تبیین است که پیش‌ازاین به آن اشاره شد (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۹).

- اصالت توأمان فرد، جامعه و خانواده

همان‌طور که گذشت در تفکر رشد محور، رشد فردی به‌تنهایی همه هدف نیست، بلکه همان‌طور که در نظریه رشد شهید مطهری نیز به‌صراحت تأکید شده بود (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۰۲) در مفهوم رشد اسلامی، رشد فردی باید در کنار رشد اجتماعی پیگیری شود. به علاوه، مطابق نظام تفکر اسلامی، که علاوه بر فرد و اجتماع برای خانواده نیز اصالت قائل است (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۰)، می‌توان افزود که رشد خانوادگی نیز اصالت دارد و در کنار رشد فردی و اجتماعی باید مورد توجه قرار بگیرد.

- سادگی تمیز فعل درست از غلط برای کسی که شرایط عملی و نظری‌اش را داشته باشد.

هرچند مکتب اسلام، پیچیده است و شناخت و اجتهاد جامع در این مکتب سالهای درازی به طول می‌انجامد، شارع مقدس اسلام در مقام عمل به تکلیف به روشن‌ترین و واضح‌ترین گونه تکلیف را مشخص کرده است. ویژگی‌هایی چون عمل بر اساس حجت و تعبیر صراط مستقیم (مریم/۳۶) شواهد محکمی بر این مدعاست.

۳ - تصمیم‌گیری فایده‌گرا و نقد آن بر اساس نظریه رشد اسلامی

بسیاری از صاحب‌نظران بر پیچیدگی فرایند تصمیم‌گیری (هالنگل^۱، ۲۰۰۷: ۳) و حتی پیچیدگی شناخت تصمیم‌گیرنده تأکید کرده‌اند (مینتزبرگ^۲، ۲۰۰۷: ۴)؛ لذا بررسی پیشفرضها و لایه‌های پنهان نظریه تصمیم‌گیری به تعمق و دقت فراوان نیاز دارد؛ بااین‌همه، روشن‌ترین مصداق تصمیم‌گیری فایده‌گرایانه در مدیریت را باید در نظریه‌های سنتی تصمیم‌گیری جستجو کرد. از

1 - Hollnagel, Erik

2 - Mintzberg, Henry

مهمترین سازوکارهای تصمیم‌گیری در آن دوران، تصمیم‌گیری بر اساس تحلیل هزینه - فایده^۱ بوده است که فایده‌گرا بودن آن از نامش پیداست. در یکی از بخشهای این روش تصمیم‌گیری، یعنی معیار بهبود بالقوه پاره‌تو، کاملاً مطابق فایده‌گرایی غایی^۲ تجویز می‌شود^(۱) که «در اساسی‌ترین سطح تحلیل هزینه - فایده هر پروژه نیازمند شناخت تمام تأثیرات آن بر رفاه شخصی تمام اعضای جامعه است» (ساگدن و ویلیامز، ۱۳۷۲: ۱۱۵). جالب است که در این نظریه تصمیم‌گیری، ثروت نیز مطابق معنای سوم فایده‌گرایان از نفع - یعنی برآورده کردن ترجیحات - تعریف می‌شود: «در اینجا ثروت باید با وسیعترین مفهوم خود تفسیر شود. اگر کسی A را بر B ترجیح دهد، او ثروتمندتر است اگر A را داشته باشد نسبت به اینکه اگر B را داشته باشد» (ساگدن و ویلیامز، ۱۳۷۲: ۱۱۹). به علاوه در این روش، تلاش می‌شود، میزان ترجیح هر کس را با این سؤال، کمی و قابل مقایسه کنند که: «چقدر برای این ترجیح حاضر به پرداخت پول هستی؟» با استفاده از مفهوم رشد اسلامی، انتقادات مختلفی را می‌توان به این رویکرد تصمیم‌گیری سنتی و فایده‌گرا وارد ساخت؛ به‌عنوان نمونه، سنجش هر ترجیح با معیار پول را، که از اصل فایده‌گرای «نتیجه‌گرایی»، امکان محاسبه و محاسبات در ظاهر روشن^۳ سرچشمه گرفته است در نظر بگیرید. با توجه به اصل رشد‌گرایی «محاسبه‌گرایی متوجه محدودیتها» خلل‌های وارد بر توصیه «چقدر برای این ترجیح حاضر به پرداخت پول هستی؟» روشن می‌شود؛ به‌طور مثال، تصمیم‌گیرندگان بسیاری از ترجیحاتشان را بر هر میزان پولی برتری می‌دهند (مثلاً یک بیمار رو به مرگ چقدر حاضر است برای زنده ماندن پرداخت کند). مهمتر اینکه این سؤال ساده با توجه به تفاوت حاضر بودن برای پرداخت پول و توان پرداخت پول، پیچیده می‌شود. جالبتر اینکه پاسخ به این سؤال برای انتخاب بیمه‌ها با کمی آینده‌نگری و احتیاط همیشه بی‌نهایت می‌شود (مثل اینکه چقدر حضری پرداخت کنی که در این سفر، تصادفی مرگبار نداشته باشی). خطرپذیری که راه‌حل تصمیم‌گیری فایده‌گراست، همان‌طور که از نامش پیداست، پذیرفتن خطر و نادیده گرفتن بسیاری از احتمالات است؛ حال اینکه از دید رشد اسلامی، آموزه‌های توکل و توسل (که می‌تواند راه‌هایی برای رسیدن به رشد به حساب بیاید). پذیرش نتیجه تصمیمات را آسانتر می‌کند و با توجه به وظیفه محوری می‌توان گفت به نوعی و تا حدودی جبران‌کننده محدودیت‌های محاسبه‌گری است که می‌توان بدون

1 - Cost- benefit analysis

2 - Teleological utilitarianism

پذیرفتن خطر حتی تصمیماتی بسیار متهورانه‌تر از تصمیم‌گیرنده فایده‌گرا گرفت^(۲). انتقاد مبنای‌گرایانه نظریه‌های مدرن تصمیم‌گیری نیازمند دقت بیشتری است. مقدمتا باید نشان داد که در فرایند تطور نظریه‌های تصمیم‌گیری مدیریتی، جهت اصلی تصمیم‌گیرها دستخوش هیچ‌گونه تغییری نشده و تنها چگونگی تصمیم‌گیری - و یا در بنیانی‌ترین تغییرات جهات عملیاتی آن - تغییر کرده است. در صورت اثبات چنین مسئله‌ای می‌توان نقدی فراگیر، که از سنتی‌ترین تا مدرن و پست‌مدرن‌ترین نظریه‌ها را در بر بگیرد به تصمیم‌گیری مدیریتی رایج وارد ساخت. در این راستا شایان ذکر است در نظریه‌های تصمیم‌گیری سنتی، تصمیم‌گیری عقلایی بسیار مورد تأکید بوده است. باید توجه کرد که منظور از عقلایی در این نظریه‌ها، عقلانیت ابزاری است که در تصمیم‌گیری بوروکراتیک نیز حضور پررنگ دارد (ویر، ۱۹۴۶)؛ به عبارت دیگر، همان‌طور که عقلانیت ابزاری اشاره می‌کند، چگونگی تصمیم‌گیری در این نظریه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و نه جهت آن. با پیشرفت ادبیات علمی این حوزه، انتقاداتی به نظریه‌های تصمیم‌گیری عقلایی وارد آمده است و به‌طور مثال نظریه‌های تصمیم‌گیری عقلایی محدود (سایمون، ۱۹۷۲؛ مارچ، سایمون^۱، ۱۹۹۳) و یا حتی تصمیم‌گیری غیر عقلایی مطرح شده است (برانسون، ۱۹۸۵)؛ اما در همه این نظریه‌ها نیز، تنها در مورد چگونگی تصمیم‌گیری بحث و انتقاد شده است و نه جهت آن. با این اوصاف جهت‌گیری تصمیم‌های مدیریتی بر چه اساسی است؟ جرمی بنتام - پدر فایده‌گرایی مدرن - قانون معروف خود، «بیشترین نفع برای بیشترین تعداد» را مبنای تعیین جهت‌گیری تصمیم‌ها معرفی می‌کند (مارتین، ۲۰۰۶: ۲۰۲)؛ به عبارت دیگر از دید او تنها تصمیمی درست است که در جهتی باشد که بیشترین نفع را برای بیشترین افراد رقم بزند (البته با توجه به بخشهای قبل می‌دانیم که نفع در اینجا مفهومی اختلافی و پیچیده است). همه نظریه‌هایی که به دنبال افزایش حداکثرسازی سود و کارایی^(۳) هستند به این دلیل که با بخش «بیشترین نفع» از قانون اصلی بنتام همراستا است - و یا ادبیات رویکرد انتقادی در مطالعات سازمان و مدیریت - به این دلیل که می‌گویند باید به دنبال مسائلی بود که نتیجه‌اش مفید برای اکثریت اعضای سازمان باشد^(۴) (مکولی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۷) و لذا با بخش «بیشترین تعداد» از قانون اصلی بنتام همراستا است -، نشان از پذیرفته‌شده بودن این مبنا در تصمیم‌گیرهای سازمانی دارد؛ لذا با وجود همه تطورات نظریه‌های تصمیم‌گیری سازمانی، می‌توان گفت که این نظریه‌ها از دید ارزشی و جهت‌گیری تغییر نیافته است و به گفتار ساده، روح

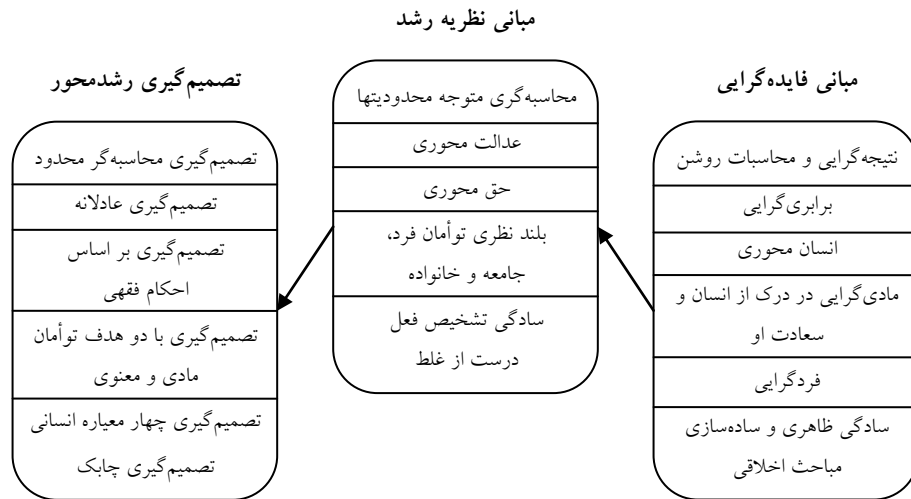
قانون بننام در همه آنها حضور دارد.

حال که با تبیین قانون کلی بننام نشان داده شد، همه نظریه‌های تصمیم‌گیری از حیث جهت یکسان و فایده‌گرا هستند، می‌توان نقد عمومی و اساسی به فایده‌گرایی را به عموم نظریه‌های تصمیم‌گیری وارد دانست. توضیح اینکه اصل فایده‌گرای «ماده‌گرایی در درک از انسان و سعادت او»، که پیش‌ازاین مورد بررسی انتقادی قرار گرفت، خسارتهای جبران‌ناپذیری به نظریه‌های تصمیم‌گیری وارد ساخته است؛ به‌عنوان نمونه، سایمون، که مدیریت را با تصمیم‌گیری مساوی می‌داند، هدف اصلی مدیریت را بهره‌وری معرفی می‌کند (سایمون، ۱۹۴۶: ۶۴). همین مادی‌گرایی در پیگیری دو قانون اصلی بهره‌وری یعنی «انجام دادن درست کارها و انجام دادن کارهای درست» به تولید محصولاتی با نیمه‌عمر کوتاه منجر شده است؛ اما می‌توان تصمیم‌گیری سازمانی در نظر گرفت که به جای پیروی از قانون بننام بر مبنای دیگری هدایت شده باشد؛ به‌طور مثال مدیر یک کارخانه خودروسازی را تصور کنید که بین دو گزینه که بودجه‌ای را به بخش بازاریابی بدهد تا فروشش افزایش یابد و در نتیجه ترجیح خود را (و باقی همکارانش) که در افزایش درآمد است برآورده کند و یا بودجه را به بخش تحقیق و توسعه اختصاص دهد تا خودروهایی با آلودگی کمتر تولید کند تا در نتیجه، محیط‌زیست حفظ شود و در این راستا از میل خودش می‌گذرد در واقع در این مثال، شاهد نقش عامل اهمیت دادن به حفظ و استفاده از منابع طبیعی در نظریه رشد هستیم (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۰۱). هم‌چنین در عرصه تصمیم‌گیری در رابطه با منابع انسانی، اصل فایده‌گرای «نتیجه‌گرایی، امکان محاسبه و محاسبات در ظاهر روشن» و بی‌توجهی به اصل رشد محور «عدالت محوری» باعث شده است، مسئله مهمی مانند عدالت در سازمان بی‌اهمیت خوانده شود و با نتیجه‌گرایی افراطی مفهوم «ادراک عدالت» - که به انواع تلاشها برای فریب افکار عمومی منجر می‌شود - جایگزین آن شود.

در پایان این بخش، لازم است به بررسی یکی از آخرین نظریه‌های تصمیم‌گیری پرداخته شود که به نحو جالبی با مواضع این مقاله همگرا است. پژوهشگران دانشگاه هاروارد، پس از چند دوره تحقیقات و بررسی میدانی در سال ۲۰۱۶ اعلام کردند که تصمیم‌گیرندگان پس از گذشت یک شب از تصمیم‌گیری، احساس بمراتب بدتری نسبت به تصمیم خود دارند (بریناتو، ۲۰۱۶: ۳۰). با توجه به تحلیل‌هایی که گذشت، می‌توان تأثیرات سوء فایده‌گرایی را در این تصمیم‌ها مشاهده کرد. اصل فایده‌گرای «امکان محاسبه و محاسبات در ظاهر روشن»، که به محدودیتهای محاسبه‌گری

توجهی ندارد، پس از گذشت تنها یک شب از تصمیم، رنگ می‌بازد و محدودیتهایی که باعث شده بود، بعضی جوانب تصمیم در نظر گرفته نشود، نمایان می‌شود. حال اینکه مطابق رویکرد وظیفه‌محور تصمیم‌گیری اسلامی، تصمیم‌گیرنده پس از تصمیم در زمینه نتیجه به خدای متعال توکل کرده و خشنود است که به وظیفه خود عمل کرده است.

با توجه به اصول ششگانه نظریه رشد اسلامی و همین‌طور روح معنای این تعبیر و بر اساس انتقادات وارد بر تصمیم‌گیری فایده‌گرا بر مبنای رشد اسلامی، ویژگیهای ذیل برای تصمیم‌گیری رشد محور، مشخص شد: «تصمیم‌گیری محاسبه‌گر محدود، تصمیم‌گیری عادلانه، تصمیم‌گیری بر اساس احکام اسلامی، تصمیم‌گیری با دو هدف توأمان مادی و معنوی، تصمیم‌گیری چهار معیاره انسانی و تصمیم‌گیری چابک». نگاره ۲ به روشنی چگونگی فرایند پژوهش را در رسیدن به این ویژگیها برای تصمیم‌گیری رشد محور نشان می‌دهد.



نگاره ۲: فرایند دستیابی به تصمیم‌گیری رشدمحور

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تاکنون تلاش شد تا با بررسی تدقیقی آثار فایده‌گرایی بر نظریه‌های تصمیم‌گیری و نقد این نظریه‌ها بر اساس دیدگاه رشد اسلامی، تفاوتها و مزایای تصمیم‌گیری رشدمحور نسبت به تصمیم‌گیری فایده‌گرا - که همان تصمیم‌گیری رایج مدیریت است - به نمایش گذارده شود. اینک وقت آن رسیده است تا فراتر از جزئیات مطرح‌شده در باب تصمیم‌گیری رشد محور، تصویر جامع این نظام تصمیم‌گیری به نمایش گذارده شود. در همین راستا ویژگیهای «تصمیم‌گیری محاسبه‌گر محدود، تصمیم‌گیری عادلانه، تصمیم‌گیری بر اساس احکام اسلامی، تصمیم‌گیری با دو هدف توأمان مادی و معنوی، تصمیم‌گیری چهار معیاره انسانی و تصمیم‌گیری چابک» برای تصمیم‌گیری رشدمحور مشخص شد که در نگاره ۲ به نمایش گذاشته شد.

باید افزود، هرچند در تبیین انتقادی تصمیم‌گیری فایده‌گرا بر اساس نظریه رشد به یکایک این ویژگیها پرداخته شد به هر روی در ادامه به‌اختصار به توضیح هر یک از آنها پرداخته می‌شود. منظور از محاسبه‌گری محدود، اجرای محاسبات معمول در تصمیم‌گیری به همراه توجه به محدودیتها از جمله تأثیر عوامل معنوی است. تصمیم‌گیری عادلانه به تأکید دیدگاه رشد بر عدالت

اسلامی به جای برابری‌گرایی اشاره دارد. تصمیم‌گیری بر اساس احکام اسلامی نیز از «حق» دانستن این احکام و حق‌محوری رشد اسلامی نشأت گرفته است. به علاوه دو هدف مادی و معنوی، نشاندهنده توجه همه‌جانبه دیدگاه رشد اسلامی و تفاوت با یکسونگری فایده‌گرایانه است. ویژگی تصمیم‌گیری چهارمعیاره انسانی از اصالت جایگاه فرد، خانواده و اجتماع شکل گرفته است که البته سازمان به‌عنوان عرصه اصلی نظریه‌های مدیریت نیز به آن اضافه شده است. به علاوه سادگی تشخیص فعل درست از غلط، باعث ایجاد ویژگی چابکی در تصمیم‌گیری رشد محور شده است. در پایان پیشنهاد می‌شود از آنجا که فایده‌گرایی تنها مکتب مؤثر در تصمیم‌گیری نیست، پژوهشگران با همین روش میناگرایانه به بررسی تأثیرات دیگر مکاتب سیاسی اجتماعی از جمله لیبرالیسم در نظریه‌های تصمیم‌گیری بپردازند. به علاوه، لازم است تأثیرات فایده‌گرایی در دیگر نظریه‌های مدیریت نیز مورد بررسی انتقادی قرار بگیرد. صرف‌نظر از این پژوهشها، مدیران و صاحبان کسب‌وکارها می‌توانند تأثیرات دیدگاه رشد اسلامی را با ایجاد فرهنگ رشد‌محور و آموزش اصول رشد اسلامی به تصمیم‌گیرندگان سازمانی در عمل مشاهده کنند.

یادداشتها

- ۱ - این نوع فایده‌گرایی تنها بر بیشینه‌سازی نفع به صورت کلی تأکید دارد و از سوی دیگر مشابه فایده‌گرایی سیاسی بیان می‌کند که هرچند ممکن است یکایک تصمیمات و حرکات فایده‌گرا نباشد، جهتگیری کلی و تصمیمات مهم کاملاً فایده‌گرا است (رالز، ۱۹۷۱: ۲۴).
- ۲ - واضح است که نویسندگان به هیچ عنوان ادعا نکرده‌اند که تصمیم‌گیری متوکلا نه و متوسلانه همیشه به نتایج عملیاتی مطلوب می‌رسد؛ بلکه مطابق دیدگاه رشد اسلامی با تصمیم‌گیری رشد‌محور خطر، خطرپذیر بودن خود را از دست می‌دهد؛ هرچند در عمل ممکن است ضرر بزند، همان ضرر و خطر هم با نظام رشد اسلامی می‌تواند پله‌ای برای تعالی باشد.
- ۳ - البته باید توجه کرد که هرگز این‌گونه ادعا نمی‌شود که به دنبال سود و کارایی بیشتر رفتن، اشتباه است و یا تنها نشأت گرفته از دیدگاه فایده‌گراست؛ بلکه صرفاً منظور اولویت بخشیدن دیدگاه فایده‌گرا به این عامل است که تفاوت‌های آن با دیگر دیدگاه‌های فکری - از جمله رشد اسلامی - که هرچند این عامل را (البته با تعریف خودشان) تأیید می‌کنند، جایگاه دیگری برای آن قائلند که در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت.
- ۴ - شایان ذکر است در اینجا نیز منظور به هیچ عنوان این نبوده که به دنبال سود و نفع اکثریت بودن اشتباه است و یا فقط نشأت گرفته از دیدگاه فایده‌گراست، بلکه مثل گذشته منظور صرفاً مورد تأکید قرار دادن اولویت و انحصار این عامل در دیدگاه فایده‌گرا و اجرای آن (به همان‌گونه و با همان اولویت) در نظریه‌های مدیریت است.

منابع فارسی

قرآن کریم.

باقریان، محمد (۱۳۸۰). تصمیم‌گیری حکیمانه رویکردی جدید به الگوسازی در مدیریت. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

تقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۴۱۰). الغارات. قم: دارالکتاب الإسلامی.

جوادی آملی، مرتضی (۱۳۷۲). نحوه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی. مدیریت دولتی. ش ۲۳: ۱ تا ۱۰.

حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. ج ۴. بیروت: دارالفکر.
خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸). بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، قابل دستیابی در
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8259>

خندان، علی اصغر (۱۳۸۸). درآمدی بر علوم انسانی اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
دهقانی، لیلا؛ شکرانی، رضا؛ نقشینه ارجمند، حمید رضا (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر ادراک عدالت بر تصمیم‌گیری مدیران مبتنی بر آموزه‌های اسلامی». مدیریت اسلامی. س ۱۹. ش ۲: ۳۵ تا ۶۴.

رحیمی، احسان؛ فرقانی، یونس (۱۳۹۴). بررسی جایگاه مصلحت در تصمیم‌گیری مدیران از منظر فقه امامیه. کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و مهندسی صنایع.
رسولی، رؤیا؛ طیبی، راضیه؛ زندوانیان، احمد (۱۳۹۴). نظریه رشد ایمانی فالور به‌عنوان چارچوبی برای تربیت دینی. ادیان و عرفان. س ۴۸. ش ۱: ۶۷ تا ۷۹.

رمضانی، حسین؛ علی اکبری، حسن (۱۳۹۱). بررسی پایه‌های نظری موضوع تصمیم‌گیری مبتنی بر اخلاق اسلامی. مدیریت اسلامی. ش ۳: ۱۴۹ تا ۱۷۵.

ساگدن، رویرت؛ ویلیامز، آن (۱۳۷۲). مبانی تحلیل هزینه - فایده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ج چهارم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
عزیزی، مهدی؛ رازینی، روح‌الله (۱۳۹۴). طراحی مدل تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی. مدیریت اسلامی. ش ۴: ۷۳ تا ۱۰۰.

عزیزی، سید مجتبی (۱۳۹۲). درآمدی بر آموزش تحلیل سیاسی. تهران: شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، معاونت فرهنگی.

عظیمی، حسین؛ نورعلی دخت، حمید؛ جلالوند، آمنه (۱۳۹۱). فلسفه اخلاق سازمانی و تصمیم‌گیری اخلاقی در سازمان‌ها. سومین همایش ملی سهروردی با موضوع اخلاق کاربردی.

علوی، سید علی (۱۳۸۶). درآمدی بر تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی بر تصمیم‌گیری. اندیشه مدیریت. ش ۱: ۳۵ تا ۵۸.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. ج ۲. قم: دارالکتب الإسلامیة.

مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه (۱۳۶۰). ترجمه حسن مصطفوی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲). پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام
خمینی (ره).

مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). امامت و رهبری. چ ششم. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲ الف). مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی. چ یازدهم. جامعه و تاریخ. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲ ب). عدل الهی. چ سیزدهم. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). انسان کامل. چ بیست و سوم. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). تکامل اجتماعی انسان. چ هشتم. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، وحی و نبوت. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). امدادهای غیبی در زندگی بشر. چ بیست و پنجم. تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). ویژگیهای مدیریت اسلامی، ریشه‌ها - الگوها - انگیزه‌ها. مدیریت دولتی. ش ۱۸:
۳۰ تا ۳۷.

مکولی، جان؛ دبلری، ژو آنی؛ جانسون، فیل (۱۳۸۹). نظریه سازمان، نگاه‌ها و چالش‌ها. ترجمه حسن دانایی فرد
و سید حسن کاظمی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

المنقری، نصرین مزاحم (۱۴۰۴). وقعه الصغین. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت عليهم
السلام.

منابع انگلیسی

- Acker, Joan (2008). **Feminist Theory's Unfinished Business**: Comment on Andersen. *Gender and Society*, Vol. 22, No. 1 (Feb. 2008), 104-108.
- Adler, Paul S. (2011). **Marxist philosophy and organization studies: MARXIST CONTRIBUTIONS TO THE UNDERSTANDING OF SOME IMPORTANT ORGANIZATIONAL FORMS**. *PHILOSOPHY AND ORGANIZATION THEORY*, London: Emerald
- Ashcraft, Karen Lee (2001). Organized Dissonance: Feminist Bureaucracy as Hybrid Form. **The Academy of Management Journal**, Vol. 44, No. 6 (Dec., 2001), 1301-1322
- Beadle, Ron and Moore, Geoff (2011). **MACINTYRE, NEO-ARISTOTELIANISM and ORGANIZATION THEORY**. *PHILOSOPHY AND ORGANIZATION THEORY*, London: Emerald
- Beard, Alison (2015). Defend your Research Coe's with Daughters Run More Socially Responsible firms. **Harvard Business Review**, November 2015
- Bentham, Jeremy (2000). **An Introduction to the Principles of Morals and Legislation**. Kitchener: Batoche Books
- Berinato, Scott (2016). "Sleeping on It" Doesn't Lead to Better Decisions. **Harvard Business Review**, MAY 2016, 30-31.
- Brans JP (2002). Ethics and Decisions: the OATH of PROMETHEUS. **European Journal of**

- Brunsson, nils (1985). **The Irrational Organization: Irrationality as a Basis for Organizational Action and Change**. Chichester: Wiley
- Burrell, Gibson (1988). Modernism, Post Modernism and Organizational Analysis 2: The Contribution of Michel Foucault. **Organization Studies**, 1988 9: 221
- Carson, Kevin A. (2008). **Organization Theory: A Libertarian Perspective**. BOOKSURGE
- Crisp, Roger (1997), **Mill on Utilitarianism**, London: Routledge.
- Crisp, Roger (2002), **Ethics in Modern World, in New British Philosophy: The Interviews** edited by Julian Baggini, Jeremy Stangroom, London: Routledge.
- Davis, Ralph C. (1958). A Philosophy of Management, **The Journal of the Academy of Management**, Vol. 1, No. 3.
- Donaldson, Lex (1996). **For Positivist Organization Theory**, London: SAGE.
- Donner, Wendy (1998), **Mill's utilitarianism**, in: The Cambridge Companion to Mill, Edited by: John Skorupski, Cambridge University Press.
- Eggleston, Ben (2014), **the Cambridge companion to utilitarianism**, London: Cambridge University Press.
- Fleurbaey, Marc; Weymark, John A. (2008), **Justice, Political Liberalism, and Utilitarianism: Themes from Harsanyi and Rawls**, London: Cambridge University Press.
- Fowler, J. W (2004). faith development at 30: naming the challenges of faith in a new millennium. **Religious Education**, Vol. 99 No. 4.
- Gonzalez, Richard F and McMillan, Claude Jr. (1961). The Universality of American Management Philosophy, **The Journal of the Academy of Management**, Vol. 4, No. 1
- Griffith, Mark F. (2006). John Locke's Continuing Influence on Organization Theory and Behavior Entering the 21st Century. **Handbook of Organization Theory and Management the Philosophical Approach**. London: Taylor & Francis.
- Hennink, Monique M. (2007). **International Focus Group Research**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hollnagel, Erik (2007), "Decisions about What and Decisions about how", **Decision Making in Complex Environments**, Burlington: ASHGATE.
- Kaufman, Herbert (1964). Organization Theory and Political Theory, **The American Political Science Review**, Vol. 58, No. 1 (Mar., 1964), pp. 5-14.
- Kymlicka, Will (2002). **Contemporary political philosophy**, New York: OXFORD UNIVERSITY PRESS.
- Lamont, Corliss (1997), **The Philosophy of Humanism**, New York: Half-Moon Foundation, American Humanist Association.
- Litzinger, William D. and Schaefer, Thomas E. (1966). Perspective: Management Philosophy Enigma. **The Academy of Management Journal**, Vol. 9, No. 4 (Dec., 1966), 337-343.
- LOMASKY, LOREN (1987). **Persons, Rights, and the Moral Community**, Oxford: Oxford University Press.
- Louis P. Pojman (2009), **Ethics Discovering Right and Wrong**, London: University of Tennessee, Third Edition.
- Maccoby, Michael (2004). Why People Follow the Leader: The Power of Transference. **Harvard Business Review: SEPTEMBER 2004**.
- Martin, Lawrence L (2006). **Jeremy Bentham: On Organization Theory and Decision Making**, Public Policy Analysis, and Administrative Management. **Handbook of Organization Theory and Management the Philosophical Approach**. London: Taylor & Francis.
- Mill, John Stuart (2006), **The Collected Works of John Stuart Mill**, by F.E.L. Priestley, Toronto: University of Toronto Press.
- Mintzberg, Henry (2007), **Tracking Strategies**, New York, oxford university press.

- Morgan, David L. (1998), **The Focus Group Guidebook**. New York: SAGE.
- NOZICK, ROBERT (1974). **Anarchy, State, and Utopia**, New York: Basic Books.
- Operational Research**, 140: 191-196.
- Plant, Raymond (1991), **Modern Political Thought**, Oxford, Blackwell.
- Rawls, John (1971) **A Theory of Justice** (Oxford University Press, London).
- Rich, F. M. (1959), A Businessman's Management Philosophy, **The Journal of the Academy of Management**, Vol. 2, No. 2 (Aug., 1959), 89-96.
- Riley, Jonathan (1998), **Mill's political economy**, in: The Cambridge Companion to Mill, Edited by: John Skorupski, Cambridge University Press.
- Ryan, Alan (1990), The Philosophy of John Stuart Mill, **Humanities Press International**, second edition.
- Simon, Herbert A (1946). The Proverbs of Administration. **Public Administration Review** (Winter 1946): 53-67.
- Simon, Herbert A and March, James G. (1993). **Organizations**. Cambridge, Mass. [U.A]: Blackwell.
- Simon, Herbert A. (1960), **The New science of management decision**. New York: Harpar and row.
- Simon, Herbert A. (1972), **theories of bounded rationality**. North Holland Publishing company.
- Skorupski, John (1998), **The Cambridge Companion to Mill**, Cambridge University Press.
- Solomon, Robert C. (2005), **On Ethics and Living Well**, Austin: University of Texas.
- Spicer, Michael W (2006). **The Legacy of David Hume for American Public Administration: Empiricism, Skepticism, and Constitutionalism**. Handbook of Organization Theory and Management the Philosophical Approach. London: Taylor & Francis.
- Staveren, Irene (2007), Beyond Utilitarianism and Deontology, **Review of Political Economy**, Volume ۱۹, Number ۱, January: ۲۱-۳۵.
- Tanner, Carmen (2007), Influence of deontological versus consequentialist orientations on act choices and framing effects: When principles are more important than consequences, **European Journal of Social Psychology**, Eur. J. Soc. Psychol.
- Tsoukas, Haridimos and Knudsen, Christian (2003). **The Oxford handbook of organization theory**. New York: Oxford University Press.
- Turnbull, Peter and Wass, Victoria (1997). **Marxist management: sophisticated human relations in a high street retail store**. Industrial Relations Journal.
- Weber, Max (1946). **From Max Weber: Essays in sociology**, Gerth, H.H and Mills, C. Wright. New York: Oxford university press.
- Wharton, Amy S. (1991). Structure and Agency in Socialist-Feminist Theory. **Gender and Society**, Vol. 5, No. 3, Special Issue: Marxist Feminist Theory (Sep., 1991), 373-389.
- Yancey Martin, Patricia (1990). Rethinking Feminist Organizations. **Gender and Society**, Vol. 4, No. 2 (Jun., 1990), 182-206.

